**"نقش تاریخی فهم کتاب مقدّس در بروز یا کاهش خشونت "**

**حمیده امیریزدانی**

دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان(گرایش الهیات مسیحی) دانشگاه ادیان و مذاهب قم

amiryazdanihamideh@gmail.com

**مهراب صادق نیا**

استادیاردانشگاه ادیان و مذاهب قم

sadeghniamehrab@gmail.com

**احمدرضا مفتاح**

دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم

meftah555@gmail.com

 **چکیده**

 از پیامدهای ناآشکارتصلّب درروش‌های پیشینِ تفسیر کتاب مقدس ، بروزخشونتِ بیش درجامعه انسانی بود. امّا در دهه های اخیر، سنّت تفسیری با ایجاد جرح و تعدیل در نگرش های پسینِ خود، امکان زیست اجتماعی به‌تری را فراهم نموده است. در این نوشتار به این پرسش پرداخته ایم که چگونه فهم کتاب مقدس، در پرتوی تغییر پارادایم از شدّت خشونت هایی نظیر دستگاه تفتیش عقاید و تکفیرمی کاهد. در این راستا مصوبات شورای دومّ واتیکان و کمیسیون اسقفی کتاب مقدّس ناظر به سنّت تفسیری به گونه‌ای سامان یافته‌ که ‌از پیامدهای‌ نهانی آن صلح بیش تر و سایش‌اجتماعی کمتردر بستر اجتماع است. نمونه‌های مختلفی از این دست را می‌توان در هر دو سنّت کاتولیک و پروتستان مشاهده کرد؛ ازرهیافت‌های اصول بیست گانه *کمیسیون اسقفی کتاب مقدّس* در سنّت کاتولیک، امکان زیست اجتماعی همدلانه تر است. ازسوی دیگر در سنّت پروتستان، کاهش نزاع وخشونت اجتماعی، بازتابنده تغییر در نوع نگاه تفسیری است. این مقاله بر آن است نقش بهِنگام تفاسیر را در کاهش یا بروز خشونت بازنماید.

**کلیدواژگان: تفسیرکتاب مقدّس،تغییر پارادایم، شورای دوم واتیکان، کمیسیون اسقفی کتاب مقدّس، تئوری جنگ لوتر**